

تئاتر

تئاتر شهر، میزبان فروغ فرخزاد



اجرای تئاتر «خانه سیاه است» به کارگردانی محسن اردشیر، یکشنبه اول اسفندماه با حضور تعدادی از هنرمندان صاحب نام تئاتر کشورمان

و سخنرانی قطب‌الدین صادقی در تالار اصلی مجموعه تئاتر شهر آغاز شد. قطب‌الدین صادقی که به دعوت گروه اجرایی برای افتتاح این نمایش در مجموعه تئاتر شهر حضور یافته بود، قبل از آغاز اجرای اول این اثر نمایشی توضیح داد محسن اردشیر از جمله هنرمندان فعال تئاتر در خارج از پایتخت است که همیشه در حوزه تئاتر، مداومت و تلاش بسیار فراوانی داشته و این موضوع قابل احترامی است که باید به او و گروهش در استمرار این راه تبریک گفت. وی بیان کرد: «متأسفانه فقدان کشورمان شده و اجرای بی‌رویه کارهای فرهنگی مشغول فتح صحنه‌های تئاتر هستند و این یک مأموریت جدی برای اهالی تئاتر است که بتوانند با سه صحنه بردن نمایش‌های ایرانی در حفظ فرهنگ ایرانی به سهم خود تلاش کنند.» «خانه سیاه است» نمایشی در باب زندگی، اشعار و آثار فروغ فرخزاد است که تا پایان اسفندماه ساعت ۱۹ به مدت ۶۰ دقیقه در تالار اصلی مجموعه تئاتر شهر به صحنه می‌رود. علی قاجاری، محمدرضا شرفی، علیرضا شرفی، پونه قدیری، محمد امین پازوکی، هانیه بذرافشان، فاطمه موسوی، آرزو صراف زبانی، امیرحسین اسفندیاری، لیلیاروفه المیرا حسنلو، فروغ درویش زاده، سوزان عمران، پارسا جوهری فرد، شکیبا رنجبر، مریم موسوی، کوثر نعمتی، محمد محنتانی، آوا مهماندوست، رحمان اسماعیلی، پریسا حسین زاده، مبینارحیمی، دانیال خدائی، فاطمه زهرا آقایی، شایان میرفتح‌ابوالفضل شاکری، افسانه زنگنه، فاطمه شیخ‌خلر، امیررضا محمدزاده، علی نعمتی و آرمینا لطفی هم گروه بازیگران نمایش را تشکیل می‌دهند.

کتاب

مراقب عالیجناب پولدار ک‌های اقتصاد ایران باشید



عالیجناب پولدار ک، عنوان یک کتاب هشدار دهنده و جذاب است برای کسانی که تازه تصمیم گرفته‌اند وارد چرخه فعالیت اقتصادی و

کار آفرینی شوند. به گزارش ایلنا، این مجموعه داستان کوتاه از سوی نشر بهار سبز روانه بازار کتاب شده است. در این کتاب در قالب ۸۴ داستان کوتاه با شخصیتی آشنا می‌شوید به نام عالیجناب پولدار ک، که یک پولدار به معنای واقعی کلمه است، از آن‌هایی که هیچ چیز به اندازه موفقیت اقتصادی و تجاری برایشان اهمیت ندارد. از آن‌هایی که برای فعالیت‌های کاری و مالی خود برنامه و هدف دارند و در راه رسیدن به آن، به هیچ کسی رحم نمی‌کنند و مراعات هیچ چیز را نمی‌کنند. وقتی مشغول صحبت‌های روزمره است، خیلی گرم و صمیمی است، حتی از شوخی و مزاح و نقل داستان‌های بامزه هم کم نمی‌گذارد ولی آسمان از لحظه‌ای که وارد قلمرو منافعت‌ش شود، ناگهان تبدیل به یک شخصیت سرسخت، خشن و جدی می‌شود. انگار که زلزله‌ای بپا شده، به حرف فرصتی برای عرض اندام نمی‌دهد. اوشکارچی لحظه‌هاست و منتظر اولین اشتباه طرف مقابل است تا در فرصت مناسب، بی‌روزمیدان قیامت باشد و موجودی خود را افزایش دهد. شفاهی قول می‌دهد و مکتوب قول می‌گیرد و تلاش می‌کند بیشترین مسئولیت‌ها را به گردن طرف دوم بیندازد. نقاط قوت افراد را بسیار ندی تبدیل به نقطه ضعف می‌کند و از آن برای امتیازگیری بیشتر استفاده می‌کند. از رقابت در زمین‌های تراز و هم سطح برهیز می‌کند و همیشه دنبال آن است که بازی را پیش از شروع، سه بر صفر برده باشد. علاوه بر این‌ها، عالیجناب پولدار ک ده‌ها ترغیب و شکر دافوق العاده دیگر برای تضمین موفقیتش دارد که تعدادی از آن‌ها واقعا چندش‌آور و زهر دار است.

اما در کنار آداب چندش‌آورش که باید نسبت به آن‌ها آگاه بود و دوری جست، یک سری توانمندی‌ها، مهارت‌ها، تکنیک‌ها و تاکتیک‌هایی هم دارد که موفق به اداره مجموعه‌های بزرگ اقتصادی و پول‌سازی‌های خارق العاده و افسانه‌ای شده و حیف است که این فنون و روش‌ها در سایه آداب چندش‌آورش، مورد توجه و استفاده قرار نگیرد.

تعبیر حسین وفا از گرانی بلیت کنسرت‌های موسیقی

عمومیت یافتن هنر «لاکچری» در ایران



حسین وفا درباره هنر «لاکچری» مرسوم در دنیای امروز می‌گوید: هر چه مصرفی شدن در جوامع بیشتر نمود پیدا می‌کند، هنر به سمت تجملات می‌رود. تجملاتی شدن هنر پدیده‌ای است که آسیب جدی به بدنه هنر می‌زند و در موسیقی هم بی‌تأثیر نبوده است. مثلاً قیمت‌ها باعث شده تا فقط بخش توانمند از نظر مالی بتوانند به کنسرت بروند و بقیه محروم مانده‌اند.

حسین وفا یکی از فعالان عرصه پاپ است که بیش از دو دهه فعالیت‌های موسیقایی داشته است. او که در زمینه موسیقی پاپ، سنتی و کلاسیک فعالیت داشته در نهایت موسیقی تلفیقی «پاپ سنتی» را برگزیده و دنبال کرده است. وفا علاوه بر بهره‌گیری از استادان و مدرسان موسیقی از شاگردان مجیدی کارگردان سینما نیز هست و در زمینه موسیقی و سینما فعالیت داشته اما به گفته خودش در نهایت در مسیر موسیقی سنتی گام بر داشته است. حسین وفا که گزیده کاری را بر پر کاری ترجیح داده، در گفتگو با ایلنا از جزئیات فعالیت‌هایش طی سال‌های اخیر گفت.

چه شد به سراغ موسیقی رفتید و چند سال است در این عرصه مشغول فعالیت هستید؟

من از کودکی به هنر علاقه داشتم و بعدها هم به موسیقی، بخصوص شاخه تلفیقی؛ «پاپ، سنتی» علاقمند شدم و حالا بیشتر از ۲۰ سال است در این حیطه فعالیت مشغول فعالیت هستم. به هر حال همین علاقه باعث شد گام‌هایی که بر می‌دارم، هدفمند باشد تا رویایی که همیشه در سر می‌پروراندم را تحقق بخشم. موسیقی برایم آرامش بخش شد و تلاش کردم تمامی پیچ و خم‌های راه را به درستی طی کنم.

موسیقی پاپ شاید نسبت به دیگر سبک‌ها در سال‌های پس از انقلاب اسلامی مسیر متفاوتی را در جهت کامل تر شدن پیموده. نظر شما در باره چهل و سه سال گذشته موسیقی ایران چیست؟

فاندها موسیقی ایران مثل هر جامعه دیگری دستخوش تغییرات بسیاری بوده است. موافقم که موسیقی ایران از نظری پیشرفت کرده، اما این همه ماجرا نیست؛ چرا که خیلی‌ها اصطلاحاً از زیر زمین‌ها به روی زمین آمدند و سلیقه مردم به واسطه آن‌ها آثارشان تغییر کرد. خوب یا بد و خواه ناخواه، شکل دیگری از موسیقی در ایران پا گرفت که تحت عنوان موسیقی مصرفی از آن یاد می‌شود؛ همین آهنگ‌هایی که هر روزه می‌شنویم و بلافاصله فراموششان می‌کنیم.

نظر تان در باره واژه مارکت موسیقی که این روزها یاد شنیده می‌شود، چیست؟

مارکت موسیقی را مردم تعیین می‌کنند و آن‌ها هستند که مشخص می‌کنند در بازار موسیقی چه چیزی باید به تولید برسد. عوامل دیگری نیز در این زمینه دخیل هستند، اما نهایتاً این مردم هستند که تعیین کننده‌اند. برای داشتن یک مارکت استاندارد که حرف برای گفتن داشته باشد باید نیم نگاهی نیز به مردم داشت. هر چیزی در جایگاه خودش مارکت محسوب می‌شود مثل موسیقی، خوانندگی و مقالات دیگر. موضوع مهم این است که تلاش کنیم در قالب مارکت ایرانی در سطح

جهانی فعالیت کنیم. اگر در اینباره نظر شخص مرا می‌خواهید، باید بگویم فکر نمی‌کنم در این زمینه صاحب نظر باشم. نظر کارشناسی ندارم و فکر می‌کنم اگر صحبت نکنم و اظهار نظر نکنم کار شایسته‌تری کرده‌ام.

خیلی‌ها طی این سال‌ها به اسم هنرمند وارد حرفه موسیقی شده‌اند و به زبان عامیانه تر دلالی را برگزیده‌اند!

متأسفانه بعضی افراد فقط به پول و شهرت فکر می‌کنند؛ در صورتی که موسیقی یک احساس درونی و دلی است. اگر موسیقینی این بعد را نادیده بگیرد، فقط در گیر بعد مادی می‌شود و به این ترتیب دیگر آثار ماندگار مثل آثار گذشتگان تولید نمی‌شود و یا کم تولید می‌شود؛ آن‌ها از سمت کسانی خواهد بود که اهل فرهنگ و هنر جدی و فاخر هستند. با وجود همه اینها به نظر من اگر موسیقی دان‌های ما با هم متحد شوند، قطعاً اتفاقات بهتری رخ می‌دهد و آثار ماندگاری خلق خواهد شد. متأسفانه چنین اتحادی در جامعه موسیقی ما وجود ندارد.

ما مسئول گوش‌های متولیان فرهنگ و هنر این مرز و بوم باید برای مردم خوراکی فرهنگی مناسب و ارزشمند به مردم بدهیم؛ نه اینکه صرفاً با توجه به نیاز لحظه‌ای آن‌ها کار به تولید اثر بپردازیم و اگر دیدیم آهنگی در جامعه گل کرد، هزاران کپی از روی آن بزنیم و منتشر کنیم

چرا می‌گویید موزیسین‌های کشور با هم متحد نیستند؟ چون اغلب همین‌طور است. به‌ندرت کسی دیگری را قبول دارد و همین امر باعث ایجاد فاصله بین هنر و همین‌طور هنرمندان می‌شود. برای رسیدن به هنری یکدست و ارائه موسیقی‌های شنیدنی بیشتر نیازمند صلح در جامعه موسیقی هستیم تا تفرقه!

به هنر مصرفی اشاره کردید. این مصرفی بودن پدیده‌ای عجیب را ایجاد کرده که به آن هنر «لاکچری» می‌گویند. در این باره چه نظری دارید؟

هر چه مصرفی شدن در جوامع بیشتر نمود پیدا می‌کند، هنر به سمت

تجملات می‌رود. تجملاتی شدن هنر پدیده‌ای است که آسیب جدی به بدنه هنر می‌زند و در موسیقی هم بی‌تأثیر نبوده است. کما اینکه شاهد بوده‌ایم از فرط تجملاتی شدن، از دسترس خواننده یا آهنگساز زحمت آموزش و یادگیری علمی موسیقی را به خود عوام خارج شده‌اند. مثل قیمت بلیت کنسرت‌هایی که این روزها شاهد هستیم. قیمت‌ها باعث شده تا فقط بخش توانمند از نظر مالی بتوانند به کنسرت بروند و بقیه محروم مانده‌اند.

دغدغه‌های سیاسی، اجتماعی چقدر بر نحوه فعالیت حرفه‌ای شما تأثیر گذار بوده و هست؟

هنر جای سیاست نیست. من هرگز شخصیت سیاسی نداشته‌ام و علاقه‌ای ندارم به عرصه سیاست وارد شوم. از نظر من سیاست و هنر با هم سنخیتی ندارند، اما دغدغه اجتماع را داشتن لازمه هنر و هنرمند است. به اعتقاد من هنرمند واقعی باید دغدغه‌مند مردم و امور اجتماع خود باشد. خوشبختانه طی این سال‌ها تمام تلاشم این بوده با مردم هم دغدغه‌باشم.

جدا از هنرمندان دغدغه‌مند حوزه سنتی و آن‌هایی که به تولید آثار فاخر می‌کنند؛ سطح سواد عموم موسیقی دانان کشور را چطور ارزیابی می‌کنید؟

متأسفانه بعضی از موسیقی دانان ما برای دل و احساس جامعه دل نمی‌سوزانند و با این دغدغه کار تولید نمی‌کنند! این دسته از افراد فقط به جنبه مالی قضیه نگاه می‌کنند. چنین تفکراتی خیلی ناراحت کننده است، چون در صورت ادامه این روند، ریشه اصیل موسیقی ایرانی خشک



آشکار به شکل آهنگین به گوش مردم می‌رسد، طبیعی است که موسیقی به سمت ابتدال برود. با این حساب تعداد انگشت شماری از موزیسین‌ها با توجه به دغدغه‌ها و خواست جامعه و بر اساس علم و فرهنگ به انتشار آثار خود اقدام می‌کنند.

سلیقه مردم به مسیری رو ابتدال را طی می‌کند؟

نه دقیقاً منظورم این نیست. می‌خواهم بگویم مأموریت گوش‌های مردم هم، ماه‌عنوان متولیان فرهنگ و هنر این مرز و بوم باید برای مردم خوراک فرهنگی مناسب و ارزشمند به مردم بدهیم؛ نه اینکه صرفاً با توجه به نیاز لحظه‌ای آن‌ها کار به تولید اثر بپردازیم و اگر دیدیم آهنگی در جامعه گل کرد، هزاران کپی از روی آن بزنیم و منتشر کنیم. یک موزیسین و یا خواننده با جامعه‌شناسی و رفتارشناسی جامعه خود (همین‌طور امانت‌داری در اصل موسیقی) می‌تواند فرهنگ‌سازی شنیداری انجام دهد و مردم را به سمت و سویی سوق دهد که برای گوش خود ارزش قائل شوند. اگر این فرهنگ‌سازی صورت گیرد، به مرور موسیقی خوب و ارزشی جایگزین موسیقی مصرفی می‌شود.

سطح سلیقه جامعه چه تأثیری در ساختار موسیقی شما دارد و اصلاً به آن توجه داشته‌اید؟

هم سلیقه مخاطبان و هم سلیقه خودم اهمیت دارد، ولی قطعاً آنچه درست‌تر باشد را انجام می‌دهم. به نظر من پرداختن به هر دوی اینها به موازات هم در کنار هنر، قطعاً به ایجاد آثاری عمیق خواهد انجامید.

ذائقه این روزهای مردم تمایل به موسیقی پاپ و نهایتاً موسیقی فعالیت در سبکی که انتخاب کرده‌اید، دارد؟

اگر دقت کرده باشید هر دوی موسیقی‌ها هم پاپ و هم تلفیقی اصطلاحاً بین مردم اشباع شده‌اند و مدتهاست که اتفاق جدیدی در این دو زمینه آن نیفتاده است. من هم سعی کردم موسیقی تلفیقی کار کنم تا پیوندی باشد برای نسل قدیم و جدید. چنین چیزی نیازمند مسلط بودن به هر دو سبک پاپ و سنتی است که سعی کرده‌ام آن را مدنظر داشته باشم.

خودتان را به لحاظ حرفه‌ای و مالی، هنرمندی مستقل می‌دانید؟

به لحاظ سبک فکر نمی‌کنم هنوز مستقل شده باشم. به جرات می‌توان گفت خواننده‌های امروزی تقریباً مستقل نیستند و هر یک ادامه‌دهنده مسیر یکی از بزرگان این عرصه هستند. گاهی یک خواننده یا آهنگساز نسخه دست‌چندم هنرمندی قدیمی است. اما با افتخار کارهایش را منتشر می‌کند و به مردم معرفی می‌کند. از لحاظ مالی هم باید بگویم که موسیقی در هر جای دنیایمانند حمایت‌های مالی است. وقتی یک محصول هنری قرار است خلق شود، باید برای آن هزینه شود و اگر فرد به تنهایی بخواهد دست به فعالیت هنری بزند قطعاً جایی کم می‌آورد؛ مگر این که از نظر اقتصادی توانمند باشد. اگر حمایت عزیزان نباشد قطعاً نمی‌توان مستقل قدم برداشت.

با توجه به اینکه هم در عرصه پاپ و هم در عرصه سنتی فعالیت داشته‌اید، کدام سبک برایتان

تجملاتی شدن هنر پدیده‌ای است که آسیب جدی به بدنه هنر می‌زند. کما اینکه شاهد بوده‌ایم از فرط تجملاتی شدن، از دسترس عوام خارج شده‌اند. مثل قیمت بلیت کنسرت‌هایی که این روزها شاهد هستیم. قیمت‌ها باعث شده تا فقط بخش توانمند از نظر مالی بتوانند به کنسرت بروند و بقیه محروم مانده‌اند

اهمیت دارد؟ نظر تان درباره ارتقاء سبک‌های وارداتی چون «راک» در ایران چیست؟ در رابطه با بخش اول سوال‌تان باید بگویم؛ ترجیح است در مورد موسیقی اصیل سنتی ایرانی گام بردارم، ولی موسیقی پاپ و راک هم مخاطبان خوب خودش را دارند. البته موسیقی راک، رگه‌هایی از پیشرفت و همسویی با موسیقی استاندارد جهانی را در خود دارد ولی هنوز به مرحله کاملی از رشد و ترقی نرسیده است. خیلی مانده تا بگویم در ایران موسیقی راک داریم. پاپ هم که وضعیت مشخص است. هر کسی برای خودش در خانه‌اش آهنگ می‌سازد، کلام رویش می‌گذارد، ضبط و منتشر می‌کند. بنابراین نمی‌توان درباره آن با قاطعیت نظر داد.

در ترکیب و تلفیق شعر و موسیقی و فرم خوانش در سبک شما، نیاز به دانش و تخصص است. آیا سعی کرده‌اید در این زمینه به روز باشید؟

بله دقیقاً با تکیه بر آموزه‌های قدیمی که آن‌ها را سر لوحه فعالیت‌های هنری خود قرار داده‌ام، سعی در به‌روز بودن دارم. سبک موسیقی سنتی به خاطر ورود به دستگه‌های موسیقی، گونه‌ای سخت محسوب می‌شود و دانش منحصر و مربوط به خودش را دارد. به نظر من، آموزش در این زمینه بسیار لازم است و کسی نبوده که بدون آموزش سر از این عرصه در آورده باشد.

در هنر توجه به نسل‌های جدید و کشف افراد با صلاحیت و مستعد یکی از تعهدات مهم هنرمندان امروز است. شما برای پرداختن به این موضوع همسرم چه کارهایی را تاکنون انجام داده‌اید؟

قطعاً جوانان ایرانی مملو از استعداد هستند، گاهی حتی در کوچه و خیابان صداهای خوب می‌شنوم و از صاحبان این صداهالاستقبال می‌کنم. برنامه‌ای نیز در این خصوص دارم که هنوز زمان بندی مشخصی ندارد و به محض انجام آن، اطلاع‌رسانی‌های لازم انجام خواهد شد. بسیار می‌شنویم که ترانه سرایان، شاعران و موزیسین‌ها نسبت به وجود ممیزی‌ها انتقاد دارند. ممیزی‌ها تا چه حد روی کار شما و کارتان تأثیر داشته؟

گاهی اوقات این اتفاق افتاده که کلمه‌ای در شعر جابه‌جاشده، اما لطمه خاصی به آن نزده است. چون سبکی که من کار می‌کنم سبکی نیست که زیاد درگیر و دار ممیزی باشد. ضمن اینکه خودم به امور این چنینی واقف هستم و سعی می‌کنم رعایت کنم تا زمان کمتری صرف تولید و انتشار آهنگ‌ها کنم.

گفته‌اید که در عرصه پاپ و سنتی فعالیت داشته‌اید، کدام سبک برایتان

اهمیت دارد؟ نظر تان درباره ارتقاء سبک‌های وارداتی چون «راک» در ایران چیست؟ در رابطه با بخش اول سوال‌تان باید بگویم؛ ترجیح است در مورد موسیقی اصیل سنتی ایرانی گام بردارم، ولی موسیقی پاپ و راک هم مخاطبان خوب خودش را دارند. البته موسیقی راک، رگه‌هایی از پیشرفت و همسویی با موسیقی استاندارد جهانی را در خود دارد ولی هنوز به مرحله کاملی از رشد و ترقی نرسیده است. خیلی مانده تا بگویم در ایران موسیقی راک داریم. پاپ هم که وضعیت مشخص است. هر کسی برای خودش در خانه‌اش آهنگ می‌سازد، کلام رویش می‌گذارد، ضبط و منتشر می‌کند. بنابراین نمی‌توان درباره آن با قاطعیت نظر داد.

در ترکیب و تلفیق شعر و موسیقی و فرم خوانش در سبک شما، نیاز به دانش و تخصص است. آیا سعی کرده‌اید در این زمینه به روز باشید؟

بله دقیقاً با تکیه بر آموزه‌های قدیمی که آن‌ها را سر لوحه فعالیت‌های هنری خود قرار داده‌ام، سعی در به‌روز بودن دارم. سبک موسیقی سنتی به خاطر ورود به دستگه‌های موسیقی، گونه‌ای سخت محسوب می‌شود و دانش منحصر و مربوط به خودش را دارد. به نظر من، آموزش در این زمینه بسیار لازم است و کسی نبوده که بدون آموزش سر از این عرصه در آورده باشد.